287024 ـ تفسیر سخن خداوند متعال: {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ}

سوال

تفسیر این سخن خداوند متعال که می‌فرماید: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ چیست؟

خلاصه‌ی پاسخ

اسلام به معنای عام، همان خضوع، تسلیم و اطاعت از پروردگار جهانیان، و عبادت او به تنهایی و بدون شریک است.
و به معنای خاص، دینی است که پیامبر ما، محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ آورده است و خداوند از هیچ‌کس دینی جز آن را نمی‌پذیرد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

خداوند عزوجل می‌فرماید: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ [آل عمران: ۱۹] (در حقیقت، دین نزد الله، اسلام است).

خداوند عزوجل خبر می‌دهد که هیچ دینی نزد او پذیرفته نیست مگر اسلام، که همان اذعان، تسلیم و خضوع در برابر الله تعالی، و عبادت او به تنهایی، و ایمان به او و فرستادگانش و آنچه از نزد خدا آورده‌اند، می‌باشد. و برای هر پیامبری، شریعت و روشی بوده است، تا اینکه آنان را با محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ به پایان رساند. پس او را برای تمام مردم فرستاد و پس از او، الله متعال از هیچ‌کس دینی جز اسلامی که ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ آورده است، نمی‌پذیرد.

بنابراین، مؤمنانی که پیرو انبیای پیشین بوده‌اند، همگی به معنای عام، مسلمان بوده‌اند و با اسلامشان وارد بهشت می‌شوند.
اما اگر یکی از آنان، زمان بعثت پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را درک می‌کرد، از او جز پیروی از ایشان پذیرفته نمی‌شد.

قتاده در تفسیر این آیه می‌گوید: «اسلام، گواهی دادن به «لا إله إلا الله» و اقرار به تمام آن چیزهایی است که از نزد الله آمده است. این همان دین خداست؛ دینی که آن را برای خود برگزیده، فرستادگانش را با آن مبعوث کرده، و اولیای خود را به سوی آن راهنمایی نموده است. خداوند هیچ دینی جز آن را نمی‌پذیرد و تنها بر اساس آن پاداش می‌دهد».

و ابوالعالیه می‌گوید: «اسلام، اخلاص برای خدای یگانه و عبادت او بدون هیچ شریکی است».

تفسیر طبری (۶/ ۲۷۵).

و ابن کثیر رحمه الله می‌گوید:

«این سخن خداوند: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ، خبری است از سوی الله تعالی مبنی بر اینکه او هیچ دینی را جز اسلام از هیچ‌کس نمی‌پذیرد. و اسلام، همان پیروی از فرستادگان در هر دوره‌ای بر اساس آنچه خداوند با آنان فرستاده است، می‌باشد، تا اینکه این [سلسله] با محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ به پایان رسید. او کسی است که تمام راه‌های رسیدن به خداوند را بست، مگر از طریق خودش. پس هر کس پس از بعثت محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ با دینی بر غیر شریعت او، با خداوند ملاقات کند، از او پذیرفته نخواهد شد. چنانکه الله تعالی می‌فرماید: وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ [آل عمران: ۸۵] (و هر کس جز اسلام، دینی [دیگر] را بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران است). و خداوند در این آیه، با منحصر کردن دینِ پذیرفته شده نزد خود در اسلام، خبر داده است که: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (همانا دین [پذیرفته شده] نزد الله، اسلام است)».

از تفسیر ابن کثیر (۲/ ۲۵).

ابن جوزی رحمه الله می‌گوید:

«زجاج گفته است: دین، نامی است برای تمام آنچه خداوند از طریق آن، آفریدگانش را به پرستش خود فرا خوانده است و آنان را به برپایی آن امر نموده و با آن پاداششان می‌دهد.

شیخ ما، علی بن عبیدالله، گفته است: دین، آن چیزی است که بنده برای خداوند عزوجل به آن ملتزم (پای‌بند) می‌شود.

و ابن قُتَیبه گفته است: اسلام، ورود به «سِلم» است، یعنی ورود به انقیاد و پیروی؛ و استسلام نیز مانند آن است. گفته می‌شود: فلانی در برابر امر تو تسلیم شد (سَلِمَ)، و خود را تسلیم کرد (اِستَسلَمَ)، و اسلام آورد (أَسلَمَ)». زاد المسیر (۱/ ۲۶۷).

سعدی رحمه الله می‌گوید:

«خداوند متعال خبر می‌دهد که إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ یعنی: دینی که الله جز آن دین دیگری ندارد و غیر آن پذیرفته نمی‌شود، همان {الْإِسْلَامُ} است. اسلام، همان تسلیم شدن، تنها برای الله، در ظاهر و باطن است؛ تسلیم شدن بر اساس آنچه خداوند بر زبان پیامبرانش تشریع کرده است. الله تعالی [در آیه‌ای دیگر] می‌فرماید: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ [آل عمران: ۸۵] (و هر کس جز اسلام، دینی [دیگر] را بجوید، پس هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران است). بنابراین، هر کس به دینی جز اسلام پایبند باشد، در حقیقت به دین الهی نگرویده است؛ چرا که راهی را نپیموده که خداوند بر زبان فرستادگانش مقرر فرموده است».

از تفسیر سعدی (۹۶۴).

ابن عثیمین رحمه الله می‌گوید:

«اسلام به معنای عام: عبارت است از پرستش خداوند بر اساس آنچه از زمان فرستادن رسولان تا برپایی قیامت تشریع کرده است. چنانکه الله عزوجل در آیات بسیاری ذکر کرده که دلالت بر این دارد که همهٔ شرایع پیشین، اسلام (به معنای تسلیم بودن) برای اللهعزوجل بوده است. الله تعالی از ابراهیم [علیه السلام] نقل می‌کند: رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ [البقرة: ۱۲۸] (پروردگارا، ما را دو فرمانبردار برای خودت قرار ده و از نسل ما، امتی فرمانبردار برای خودت [پدید آور]).

اسلام به معنای خاص: پس از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم، اسلام به معنای خاص، به دینی اختصاص می‌یابد که محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ با آن مبعوث شده است؛ زیرا آیینی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آورده، تمام ادیان پیشین را نسخ (منسوخ) کرده است. در نتیجه، هر کس از او پیروی کند، مسلمان است و هر کس با او مخالفت ورزد، مسلمان نیست.

پیروان پیامبران [پیشین]، در زمان خودشان مسلمان بوده‌اند؛ به عنوان مثال، یهودیان در زمان موسی ـ صلی الله علیه وسلم ـ و مسیحیان در زمان عیسی ـ صلی الله علیه وسلم ـ مسلمان [به معنای عام] محسوب می‌شدند. اما هنگامی که پیامبر محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ مبعوث شد و آنان به او کفر ورزیدند، دیگر مسلمان به شمار نمی‌آیند.

این دین اسلام [به معنای خاص]، همان دینِ پذیرفته شده نزد الله است که به پیروانش سود می‌رساند. الله عزوجل می‌فرماید: {إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ} [آل عمران: ۱۹] (در حقیقت، دین نزد الله، اسلام است)، و همچنین می‌فرماید: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ [آل عمران: ۸۵] (و هر کس جز اسلام، دینی [دیگر] را بجوید، پس هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران است).

و این اسلام، همان اسلامی است که خداوند با آن بر محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ و امتش منت نهاده است. الله تعالی می‌فرماید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً [المائدة: ۳] (امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی پسندیدم)».

از شرح ثلاثة أصول (۲۰).

شیخ صالح فوزان حفظه الله می‌گوید:

«دین پیامبران ـ علیهم الصلاة والسلام ـ یک دین واحد است، هرچند شرایعشان متنوع بوده است. الله تعالی می‌فرماید:

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ [الشورى: ١٣] (از دین، آنچه را که به نوح دربارهٔ آن سفارش کرد، برای شما تشریع نمود و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که دربارهٔ آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم، که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه نیندازید).

و می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ [المؤمنون: ٥١ـ٥٢] (ای فرستادگان، از خوراکی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ قطعاً من به آنچه انجام می‌دهید، دانا هستم * و در حقیقت، این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شمایم؛ پس از من پروا کنید).

و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرمایند: «ما گروه پیامبران، دینمان یکی است و پیامبران برادرانِ عَلّات هستند» (یعنی پدرشان یکی ـ توحید ـ و مادرانشان ـ شرایع ـ متفاوت است).

و دین پیامبران، همان دین اسلام است که خداوند غیر آن را نمی‌پذیرد. و آن، تسلیم شدن در برابر خداوند با توحید، و گردن نهادن به طاعت او، و رهایی از شرک و اهل آن است.

الله تعالی از زبان نوح [علیه السلام] می‌فرماید: وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ [یونس: ٧٢] (و مأمور شده‌ام که از مسلمانان باشم).

و دربارهٔ ابراهیم [علیه السلام] می‌فرماید: إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ [البقرة: ١٣١] (هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم).

و از زبان موسی [علیه السلام] می‌فرماید: وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ [یونس: ٨۴] (و موسی گفت: ای قوم من، اگر به الله ایمان آورده‌اید، پس بر او توکل کنید، اگر مسلمانید).

و دربارهٔ مسیح [و حواریون] می‌فرماید: وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ [المائدة: ١١١] (و هنگامی که به حواریون وحی کردم که: به من و فرستادهٔ من ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که قطعاً ما مسلمانیم).

و دربارهٔ پیامبران پیشین و تورات می‌فرماید: يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا [المائدة: ۴۴] (پیامبرانی که تسلیم [فرمان الله] بودند، به موجب آن برای یهود، داوری می‌کردند).

و از زبان ملکهٔ سبأ می‌فرماید: رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ [النمل: ۴۴] (پروردگارا، قطعاً من به خود ستم کردم و همراه سلیمان، برای الله، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم).

پس اسلام، دین تمام پیامبران است و آن، تسلیم شدن تنها در برابر الله است. پس هر کس در برابر او و غیر او تسلیم شود،

مشرک است، و هر کس در برابر او تسلیم نشود، مستکبر است؛ و هم مشرک و هم مستکبر از عبادت خدا، کافر هستند.

تسلیم شدن در برابر خداوند، در بر دارندهٔ عبادت و اطاعت از او به تنهایی است. این اطاعت به آن معناست که در هر زمانی، باید به آنچه او در همان زمان فرمان داده است، عمل شود. به عنوان مثال، در ابتدای اسلام، خداوند به نماز خواندن به سوی بیت‌المقدس فرمان داد و پس از آن، به نماز خواندن به سوی کعبه امر کرد. هر یک از این دو عمل، در زمانی که به آن فرمان داده شده بود، بخشی از «اسلام» و دین محسوب می‌شد. پس دین، همان اطاعت [از امر الهی] است و هر دو فعل، عبادت خداوند به شمار می‌روند؛ تنها [چیزی که تغییر کرده]] برخی صورت‌های ظاهریِ عمل بود، یعنی جهت نمازگزار.

پیامبران نیز دقیقاً به همین صورت هستند: دینشان یکی است، هرچند شریعت، روش، جهت و مناسکشان متفاوت بوده باشد. این تفاوت‌ها مانع از یکی بودنِ اصلِ دین نمی‌شود؛ همان‌گونه که این تفاوت [در قبله]، مانع از یکی بودنِ شریعتِ یک پیامبر واحد نشد؛ چنانکه با مثالِ رو کردن به بیت‌المقدس در ابتدا و سپس رو کردن به کعبه در شریعت محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ بیان کردیم.

بنابراین، دین پیامبران یکی است، هر چند شرایعشان متفاوت بوده است. خداوند ممکن است در زمانی، امری را برای حکمتی تشریع کند و سپس در زمانی دیگر، امر دیگری را برای حکمتی دیگر تشریع نماید. عمل به حکمِ «منسوخ»، پیش از نسخ شدنش، طاعت خداوند است و پس از نسخ، عمل به حکمِ «ناسخ» واجب می‌شود. پس هر کس به حکم منسوخ چنگ زند و حکم ناسخ را رها کند، بر دین اسلام نیست و از هیچ‌یک از پیامبران پیروی نکرده است. به همین دلیل، یهود و نصاری کافر شدند؛ زیرا به شریعتی تحریف‌شده و منسوخ تمسک جستند.

خداوند متعال برای هر امتی، آنچه را که مناسب حال و زمانشان بوده و ضامن اصلاحشان و در بر دارندهٔ مصالحشان بوده، تشریع کرده است. سپس خداوند هر یک از آن شرایع را که می‌خواسته، به دلیل پایان یافتن زمانش، نسخ کرده است، تا اینکه پیامبرش محمد ـ خاتم پیامبران ـ را به سوی همهٔ مردم روی زمین و برای تمام زمان‌ها تا روز قیامت، مبعوث کرد. و برای او شریعتی جامع و مناسب برای هر زمان و مکانی تشریع نمود که تغییر و نسخ نمی‌پذیرد. در نتیجه، بر تمام مردم روی زمین، چاره‌ای جز پیروی و ایمان به او ـ صلی الله علیه وسلم ـ نیست. الله تعالی می‌فرماید: قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا [الأعراف: ۱۵۸] (بگو: ای مردم، من فرستادهٔ الله به سوی همهٔ شما هستم).

از «الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد» (۱۹۴).

به سؤال شمارهٔ (172775) نیز مراجعه شود.

والله تعالی اعلم.